

## چشم‌انداز مدیریت دولتی

سال نهم، شماره ۳۴ - تابستان ۱۳۹۷

شاپای چاپی: ۶۰۶۹-۲۲۵۱، شاپای الکترونیکی: ۴۱۵۷-۲۶۴۵

ص ص ۱۳۵ - ۱۵۲

# بررسی رابطه میان سبک‌های دلبستگی، رفتار کاوشگرانه و ریسک‌پذیری

آرین قلی‌پور<sup>۱</sup>، کامیار رئیسی‌فر<sup>۲\*</sup>، محمدرضا اخوان‌انوری<sup>۲</sup>

۱. استاد، دانشگاه تهران، تهران.

۲. دکتری، دانشگاه تهران، تهران.

## چکیده

یکی از متغیرهای شخصیتی، ریسک‌پذیری است که هم به‌عنوان یک ویژگی کارآفرینان و هم به‌عنوان ضرورتی برای برخی از مشاغل در درون سازمان، اهمیت زیادی یافته است؛ از این رو یافتن متغیرهای رفتاری مرتبط با آن، سازمان‌ها را در راستای گماشتن افرادی مناسب با مشاغل سازمانی یاری می‌رساند. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه میان سیستم رفتاری دلبستگی، رفتار کاوشگرانه و ریسک‌پذیری است. این پژوهش، ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد و از طریق آزمون همبستگی و به‌طور مشخص مدل معادلات ساختاری (SEM) روابط یادشده را بررسی می‌کند. نتایج پژوهش که در نمونه‌ای به حجم ۱۷۶ نفر از کارکنان یکی از بیمارستان‌های شهر تهران صورت پذیرفت، حاکی از آن است که بین دلبستگی و رفتار کاوشگرانه رابطه منفی، بین رفتار کاوشگرانه و ریسک‌پذیری رابطه مثبت و بین دلبستگی و ریسک‌پذیری نیز رابطه منفی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: سبک دلبستگی؛ رفتار کاوشگرانه؛ ریسک‌پذیری.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶ / ۵ / ۱۲ ، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷ / ۲ / ۱۷

\* نویسنده مسئول.

E-mail addresses: agholipor@ut.ac.ir; raissifar@ut.ac.ir; mrakhavan@ut.ac.ir.

## ۱. مقدمه

تاکنون متغیرهای شخصیتی چندی، به‌عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده رفتار فرد در سازمان، موضوع پژوهش‌های رفتار سازمانی قرار گرفته‌اند. یکی از این متغیرها، ریسک‌پذیری است. دیرزمانی است که ریسک‌پذیری، به‌عنوان عامل اثرگذار بر مدت زمان تصمیم‌گیری مدیران و همچنین میزان اطلاعات مورد نیاز در تصمیم‌گیری (Robbins & Judge, 2009)، به‌عنوان یکی از ویژگی‌های کارآفرینان (Vereshchagina and Hopenhayn, 2009)، و بسیاری موارد دیگر، به‌دغدغه‌ی پژوهشگران سازمانی تبدیل شده است (Dai et al., 2014)؛ همچنین امروزه در بسیاری از مشاغل، ریسک‌پذیری یک ویژگی مهم تلقی می‌شود. ریسک‌پذیری برای وکلا، کارگزاران بورس، مدیران کسب‌وکارهای کوچک و مشاغلی از این دست، ضروری است. در درون سازمان نیز مدیران عالی، مدیران اعزامی و کارآفرینان سازمانی باید افرادی ریسک‌پذیر باشند (Macko & Tyszka, 2009; Koudstaal et al., 2015)؛ بنابراین برای سازمان‌های امروزی، داشتن کارمندانی ریسک‌پذیر و همچنین آگاهی از میزان ریسک‌پذیری آنان از اهمیت فراوانی برخوردار است که می‌تواند به سازمان در متناسب‌سازی شخصیت - شغل کارکنان کمک‌های شایانی کند (Nicholson et al., 2005; Wiler & Tikir, 2011)؛ در نتیجه بررسی متغیرهای فردی مرتبط با ریسک‌پذیری می‌تواند در خصوص تبیین و توصیف دقیق‌تر این ویژگی در کارمندان سازمان راهنما و راهگشا باشد.

نظریه دلبستگی یک دیدگاه متمایز برای مطالعه رفتار سازمانی فراهم می‌کند (Yip et al., 2015). از میان سایر متغیرهای روان‌شناختی مورد مطالعه در رفتار سازمانی، سبک‌های دلبستگی و رفتار کاوشگرانه، متغیرهایی هستند که پژوهش‌های متعددی در خصوص آن‌ها صورت گرفته است (Scrima et al., 2015; Leiter et al., 2015). سبک دلبستگی، به‌عنوان یک ویژگی روانی که فرد آن را از دوران کودکی به همراه دارد و با خود به سازمان می‌آورد، بر عملکرد شغلی و رفتار فرد در سازمان اثرگذار است (Richards & Schat, 2010). مفهوم زیربنایی سبک دلبستگی این است که کودک باید پیش از آنکه بتواند به محیط‌های جدید و ناآشنا ورود کند، وابستگی ایمن و مطمئنی به والدینش داشته باشد (Bretherton, 1992). پژوهش‌ها نشان داده‌اند، اگرچه دلبستگی فرد در کودکی و در خلال تعاملات وی با والدین شکل می‌گیرد، ولی در تمام عمر فرد نسبتاً باثبات باقی می‌ماند و تبیین‌گر بسیاری از ویژگی‌های روان‌شناختی او خواهد بود (Waters et al., 2000a; Waters et al., 2000b; Waters et al., 2000c). در مجموع سبک‌های دلبستگی را در یک نگاه کلی می‌توان در دو دسته ایمن و نایمن قرار داد که سبک دلبستگی ایمن نمایانگر ویژگی‌های مثبتی است که در فرد وجود دارد و می‌تواند به او در انجام بهتر و اثربخش‌تر وظایف شغلی‌اش یاری رساند (Richards & Schat, 2010; Tziner & )

(Tanami, 2013) و کارکنان را قادر می‌سازد تا همسو با هم کار کنند (Ronen, 2017). کاوشگری نیز به‌عنوان سیستم رفتاری مکمل دلبستگی، ویژگی شخصیتی فرد است که امکان کاوش در محیط، چالش‌پذیری و پذیرش ریسک را برای او به ارمغان می‌آورد (Feeney, 2004). با بررسی عمیق پیشینه و مبانی نظری موضوع در زمینه‌ی دلبستگی و رفتار کاوشگرانه، به نظر می‌رسد بین این دو ویژگی و ریسک‌پذیری در افراد رابطه وجود داشته باشد؛ از این رو مسئله‌ی بالا توجه پژوهشگران را برای بررسی رابطه میان متغیرهای مورد اشاره، جلب کرده است. آشکار است که آگاهی از وجود چنین رابطه‌ای به سازمان یاری می‌رساند تا هم در فرآیند جذب و گزینش و هم در آموزش و ترفیع، تصمیم‌های بهتری بگیرد و افرادی متناسب‌تر با نیازهای شغلی‌اش در اختیار داشته باشد.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

**دلبستگی و کاوشگری.** نظریه دلبستگی، چارچوبی مفید برای بررسی حمایتی که فرد در طول عمرش به آن نیاز دارد را فراهم می‌آورد (Feeney, 2004). بالبی نخستین شخصی بود که در سال ۱۹۶۹ در این باره به تفصیل در خصوص دو سیستم رفتاری ضروری برای بقا و تلاش انسان صحبت کرد که عبارت‌اند از: سیستم دلبستگی و سیستم کاوشگری. هدف اصلی سیستم دلبستگی، تضمین بقا و سلامتی کودک از طریق نزدیک‌نگه‌داشتن او به مراقبانش است (Coy et al., 2012)؛ به عبارت دیگر دلبستگی نمایانگر تمایل به ایجاد روابط هیجانی با برخی افراد است که از کودکی و روابط کودک با مراقبش شروع می‌شود و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. این سیستم در شرایط ناگوار و در هر زمانی که فرد دچار پریشانی می‌شود و از دیگران طلب حمایت، آرامش خاطر و پشتیبانی می‌کند، فعال می‌شود (Feeney, 2004).

هدف سیستم کاوشگری، کسب اطلاعاتی در خصوص محیط است؛ بنابراین این سیستم در مواجهه با محرک‌های جدید یا پیچیده فعال می‌شود (Coy et al., 2012). کارکرد سیستم کاوشگری، استخراج اطلاعات برای غلبه و سلطه بر محیط است (Carnelly and Ruscher, 2000). در واقع تمایل به کاوشگری در محیط کار، بازی، اکتشاف و مشارکت در فعالیت با دیگران نمایان و جلوه‌گر می‌شود (Feeney, 2004).

کاوشگری و دلبستگی، سیستم‌های رفتاری مکمل و مرتبط با یکدیگر هستند. وقتی سیستم دلبستگی خاموش و غیرفعال است، مراقب در نقش پایگاه امنی عمل می‌کند که کودک با احساس ایمنی به دست‌آمده می‌تواند به کاوش در محیط بپردازد؛ اما هرگاه در این کاوشگری با تهدید یا مانعی برخورد کند، مجدداً سیستم دلبستگی فعال می‌شود و ضرورت احساس ایمنی برای ادامه کاوشگری اهمیت پیدا می‌کند (Coy et al., 2012)؛ بنابراین هرگاه فرد در هر سنی،

احساس ایمنی کند، سیستم دل‌بستگی غیرفعال می‌شود و احتمال بروز رفتار کاوشگرانه در او بیشتر می‌شود (Feeney, 2004). سیستم دل‌بستگی، نوعی سیستم کنترل است که در دسترس بودن مراقب را به‌طور دائم کنترل کرده و توازنی بین نزدیکی به مراقب و کاوشگری، در هر دو شرایط عادی و اضطراری ایجاد می‌کند (Waters Cummings, 2000)؛ بنابراین اگر نیازهای دل‌بستگی برطرف شود، فرد می‌تواند آزادانه به کاوشگری در محیط بپردازد. وقتی افراد از وجود مراقبی پاسخگو، مطمئن باشند، احساس ایمنی‌شان به‌اندازه‌ای خواهد بود که بتوانند به کاوشگری در محیط، انجام کارهای چالشی و کشف جوانب پنهان محیط بپردازند؛ البته فرد به‌طور طبیعی به کاوشگری محیط گرایش دارد؛ اما کاوشگری بی‌محابا وی را در معرض ریسک قرار می‌دهد، به همین دلیل داشتن پایگاه ایمن، ضرورتی برای کاوشگری بی‌دغدغه محسوب می‌شود (Elliot & Reis, 2003). در تعریف پایگاه ایمن آمده است: پایگاه ایمن از رفتار کاوشگرانه پشتیبانی می‌کند، در کاوشگری فرد مداخله نمی‌کند و با تشویق و پذیرش کاوشگری، زمینه را برای کاوشگری بیشتر فراهم می‌آورد (Feeney and Thrush, 2010).

افراد از الگوهای تعامل‌هایشان با دیگران در کودکی، نقشه‌های ذهنی می‌سازند و رفتارهای بزرگسالی‌شان را بر مبنای این نقشه‌ها سامان می‌دهند؛ بنابراین بزرگسالان با توجه به تفاوت در دل‌بستگی کودکی‌شان اضطراب و اجتناب متفاوتی از خود نشان می‌دهند (Coy et al, 2012). در بزرگسالی، این رفتارهای کاوشگرانه اشکال متفاوتی به خود می‌گیرد؛ اما در همه آن‌ها باید فرد از وجود پایگاه ایمن اطمینان داشته باشد تا بتواند به کاوشگری بپردازد (Feeney & Thrush, 2010).

بر اساس نظریه دل‌بستگی، ادراک کلی فرد از داشتن پایگاه ایمن به تمایل بیشتر برای کاوشگری در محیط و همچنین ادراک اینکه فرصت‌های کاوشگری، هم در دسترس هستند و هم ارزش تلاش و ریسک را دارند، منجر می‌شود. بر مبنای نظریه دل‌بستگی، پایگاه ایمن به فرد اطمینان و شجاعت لازم برای کاوشگری در محیط، پذیرش چالش و پذیرش ریسک را می‌دهد (Elliot & Reis, 2003)؛ بنابراین پیامد مهم داشتن پایگاه ایمن، عزت‌نفس بیشتر، باور به توانمندی، اعتماد به نفس، خودباوری، افزایش رفتارهای کاوشگرانه و هدف‌جویی، افزایش یادگیری، اکتشاف، شادمانی و البته ریسک‌پذیری است (Feeney & Thrush, 2010).

در بزرگسالی، کاوشگری محیطی، خود را در قالب فعالیت شغلی نشان می‌دهد. اخیراً پژوهشگران به بررسی‌های متعددی در خصوص دل‌بستگی و کاوشگری در بزرگسالان پرداخته‌اند و مسائلی نظیر کاوشگری در کار (Vereshchagina & Hopenhayn, 2009)، فعالیت‌های اوقات فراغت (Carnelly & Ruscher, 2000)، اهداف مربوط به کسب موفقیت و فعالیت‌های اجتماعی و محیطی را موضوع پژوهش قرار داده‌اند (Coy et al, 2012)؛ همچنین پژوهشگران

رفتار کاوشگرانه را در ابعاد و زمینه‌های مختلف بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که کاوشگری را می‌توان در سه بُعد مدنظر قرار داد: کاوشگری اجتماعی، کاوشگری محیطی و کاوشگری ذهنی. کاوشگری اجتماعی نشان‌دهنده تمایل به کاوش و ورود به حوزه‌های اجتماعی جدید (مانند دیدار با غریبه‌ها) است. کاوشگری محیطی به علاقه به کنکاش و کاوش در محیط‌های جدید (مانند مسافرت به مکان‌های جدید) اشاره دارد. کاوشگری ذهنی نیز با کاوش در قلمروهای ذهنی و اندیشه‌ای جدید (حضور در کلاس درسی رشته‌ای غیر از رشته اصلی فرد) مرتبط است (Green & Campbell, 2000).

**ریسک و ریسک‌پذیری.** در نظریه کلاسیک تصمیم‌گیری، ریسک اغلب تابع توزیع نتایج احتمالی و یا تابع عدم‌اطمینان نتایج، یعنی احتمال وقوع هر نتیجه همراه با ارزش ذهنی آن نتیجه تلقی می‌شود (Hung and Tangpong, 2008). در این نظریه‌ها، ریسک را یا با افت‌وخیزهای تابع مطلوبیت پول می‌سنجند و یا با تغییرات توزیع احتمال سود و زیان‌های ممکن گزینه‌های مختلف. در این تعبیر، گزینه ریسکی، گزینه‌ای است که تغییرات بیشتری دارد و ریسک یکی از ویژگی‌هایی است که به همراه ارزش موردانتظار هر گزینه در ارزیابی گزینه‌ها از آن استفاده می‌شود (March & Shapira, 1987). ریسک را می‌توان میزان عدم‌اطمینان و زیان بالقوه‌ی گزینه‌ای دانست که در نتیجه دست‌زدن به یک رفتار یا رفتارهای خاص اتفاق می‌افتد (Forlani & Mullins, 2000)؛ بنابراین ریسک، احتمال ادراک‌شده دریافت پاداشی است که ملازم با موفقیت در یک موقعیت خاص است، موقعیتی که در آن حالت دیگری نیز محتمل است؛ یعنی حالتی که هم پاداش موفقیت و هم پیامدهای شکست در آن نسبت به حالت اول کمتر است (Salleh and Inrahim, 2011). رفتارهای ریسکی آن دسته از رفتارها هستند که در آن‌ها به‌طور بالقوه احتمال خطر یا آسیب وجود دارد؛ اما فرصتی برای کسب منفعت نیز در آن‌ها نهفته است (Botella et al., 2008). پژوهشگران معتقدند که تصمیم‌ها و رفتارهای ریسکی صرفاً بر محاسبات منطقی یا عقلایی مبتنی نیستند. در مواجهه با شرایط عدم‌اطمینان، این گرایش فرد به ریسک‌پذیری است که معین می‌کند وی چه تصمیمی اتخاذ کند (Stewart and Roth, 2011).

برای تمایز قائل‌شدن بین افرادی که دست به رفتارهای ریسکی می‌زنند و سایر افراد، پژوهش‌های روان‌شناختی بر مفهوم ریسک‌پذیری تأکید می‌کنند (Endriulaitien & Marti ius, 2010). ریسک‌پذیری را می‌توان گرایش فرد به استفاده از شانس در یک موقعیت تصمیم‌گیری دانست (Stewart and Roth, 2011). گرایش به ریسک‌پذیری را نیز تمایل تصمیم‌گیرنده به پذیرش یا اجتناب از ریسک نیز تعریف کرده‌اند (Endriulaitien & Marti ius, 2010).

(Marti ius, 2010)؛ از این رو ریسک‌پذیری، تمایلی است به پذیرفتن ریسک که در نهایت احتمال درگیر شدن در رفتارهای پرمخاطره را افزایش می‌دهد (Blais & Weber, 2006). برخی معتقدند که ریسک‌پذیری خصیصه‌ای شخصیتی است و بر مبنای آن می‌توان افراد را به دو دسته‌ی ریسک‌پذیر و ریسک‌گریز تقسیم کرد؛ اما در سال‌های اخیر پژوهش‌های بسیاری این مفهوم‌سازی یک‌جانبه از ریسک را به چالش کشیده‌اند و مدعی شده‌اند که ادراک ریسک و گرایش به ریسک‌پذیری، بسته به زمینه و موقعیت تصمیم‌گیری متفاوت است (Wang et al., 2009). مهم‌ترین نظریه در این حوزه، نظریه چشم‌انداز<sup>۱</sup> است که بیان می‌کند سطح ریسک‌پذیری افراد در موقعیت‌های مختلف، متفاوت است (Blais & Weber, 2006)؛ به عبارت دیگر فرد ممکن است در پاره‌ای از موارد ریسک‌پذیر و در برخی شرایط دیگر ریسک‌گریز باشد (Endriulaitien & Marti ius, 2010)؛ بنابراین گرایش به ریسک‌پذیری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: گرایش عمومی فرد به ریسک‌پذیری یا ریسک‌گریزی در یک موقعیت خاص تصمیم‌گیری. این یعنی یک نفر ممکن است در مواجهه با موقعیت‌های مختلف، ریسک‌پذیری متفاوتی از خود نشان دهد؛ البته افراد مختلف در مواجهه با یک موقعیت مشابه نیز ریسک‌پذیری‌های متفاوتی خواهند داشت (Barbosa & Kickul, 2007).

پژوهشگران معتقدند ریسک‌پذیری افراد در چهار موقعیت کلی می‌تواند موضوع مطالعه و بررسی باشد: ریسک مالی (مانند ترک شغل کم‌درآمد، اما با امنیت شغلی بالا و انتخاب شغلی پُر درآمد، اما با امنیت شغلی کمتر)، ریسک سلامتی یا فیزیولوژیک (مانند انجام یک عمل جراحی پُرخطر به جای تغییر تدریجی سبک زندگی در مواجهه با یک بیماری)، ریسک اخلاقی (مانند تقلب در یک رقابت مهم برای پیروشدن که افشای آن می‌تواند پیامدهای ناگواری در پی داشته باشد) و ریسک اجتماعی (مانند پذیرش پروژه‌های بلندپروازانه که موفقیتش شهرت بسیار به همراه دارد؛ ولی احتمال اتمام موفق آن بسیار اندک است) (Kogan & Wallach, 1983; Stewart & Roth, 2001).

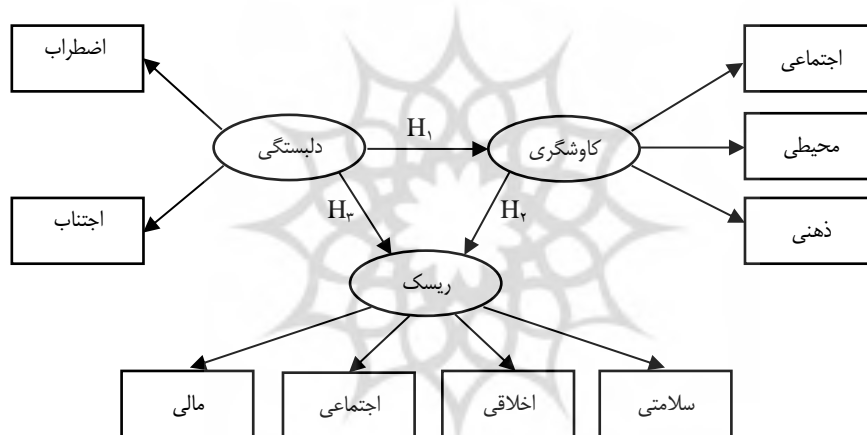
با توجه به مرور پیشینه و مبانی نظری موضوع می‌توان رابطه میان دلبستگی، رفتار کاوشگرانه و ریسک‌پذیری را به عنوان موضوع پژوهش طرح کرد و درصدد بررسی آن برآمد. فرض وجود رابطه بین دلبستگی و رفتار کاوشگرانه از خلال مرور مبانی نظری دلبستگی مطرح می‌شود؛ به این ترتیب می‌توان گفت سبک دلبستگی ایمن می‌تواند زمینه‌ای برای رفتار کاوشگرانه و به تبع آن ریسک‌پذیری بیشتر باشد؛ یعنی فردی که دارای سبک دلبستگی ایمن است، می‌تواند آزادانه و با اطمینان خاطر به کاوشگری بپردازد و گزینه‌های جدید، ناآشنا و واجد مخاطره را نیز امتحان کند؛ از سویی دیگر با توجه به محتوای مفهوم کاوشگری و وجود انواع مختلف کاوشگری در

زمینه‌های مختلف، می‌توان وجود رابطه‌ای بین کاوشگری و ریسک که در زمینه‌های متفاوتی سنجیده می‌شود را مورد مطالعه قرار داد.

### ۳. روش‌شناسی

هدف پژوهش حاضر، تعیین روابط میان دلبستگی، کاوشگری و ریسک‌پذیری در میان کارکنان یکی از بیمارستان‌های کودکان شهر تهران است؛ بنابراین پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، توصیفی - تحلیلی و از نوع مطالعات همبستگی است و به‌طور مشخص مبتنی بر مدل معادلات ساختاری (SEM)<sup>۱</sup> است.

بر اساس مرور عمیق پیشینه و مبانی نظری موضوع، مدل شکل ۱، به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش، زیربنای پژوهش حاضر قرار گرفته است. دلبستگی در این پژوهش شامل دو بُعد اضطراب و اجتناب است که نمره بالا در آن‌ها نمایانگر ناپیمنی سبک دلبستگی است. کاوشگری نیز شامل سه بُعد کاوشگری اجتماعی، کاوشگری محیطی و کاوشگری ذهنی است. ریسک‌پذیری نیز ابعاد سلامتی (فیزیکی)، اخلاقی، اجتماعی و مالی را شامل می‌شود.



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش: رابطه میان دلبستگی، کاوشگری و ریسک

به‌منظور درک بهتر متغیرها و ابعاد مدل پژوهش، این ابعاد در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱. معرفی متغیرها و ابعاد مدل پژوهش

منبع	ابعاد	متغیرها
Brennan et al. (1998)	اضطراب اجتناب	دل بستگی
Green & Campbell (2000)	اجتماعی محیطی ذهنی	کاوشگری
Kogan & Wallach (1983)	مالی اجتماعی سلامتی اخلاقی	ریسک‌پذیری

**فرضیه‌های پژوهش.** بر اساس چارچوب نظری ارائه‌شده، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

H<sub>۱</sub>: بین دل بستگی و کاوشگری، رابطه منفی معناداری وجود دارد.

H<sub>۲</sub>: بین کاوشگری و ریسک‌پذیری، رابطه مثبت معناداری وجود دارد.

H<sub>۳</sub>: بین دل بستگی و ریسک‌پذیری، رابطه منفی معناداری وجود دارد.

**ابزار و روش پژوهش.** برای سنجش سبک‌های دل بستگی از ابزار پرسشنامه تجربه روابط نزدیک<sup>۱</sup> استفاده شده است (Brennan et al., 1998). این پرسشنامه شامل ۳۶ گویه است که دو بُعد اجتناب و اضطراب را می‌سنجد. بُعد اجتناب، ترس از طردشدن و تنه‌اماندن و بُعد اضطراب، هراس از صمیمیت و ناراحتی از نزدیک‌بودن به دیگران را اندازه می‌گیرد. به هر بُعد ۱۸ گویه تخصیص داده شده است. پاسخ‌دهندگان به هر یک از سؤال‌ها در قالب طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت پاسخ دادند. پایایی این ابزار با استفاده از نرم‌افزار SPSS و با ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۸۲ به‌دست آمد که نشان از پایایی مناسب ابزار دارد. روایی این ابزار بسیار پُرکاربرد در پژوهش‌های بسیاری از جمله پژوهش‌های جان کوردی و همکاران (۲۰۰۴)، پیکاردی و همکاران (۲۰۰) و راویتز و همکاران (۲۰۱۰) بررسی و تأیید شده است (Jan Conradi et al., 2006; March & Shapira, 1987; Picardi et al., 2002).

برای سنجش رفتار کاوشگرانه از پرسشنامه استاندارد کاوشگری استفاده شد که روایی آن در پژوهش‌ها اثبات شده است (Green & Campbell, 2000). این پرسشنامه حاوی ۱۸ گویه است که سه بُعد کاوشگری اجتماعی، محیطی و ذهنی را می‌سنجد. پاسخ‌دهندگان به هر یک از

1. Experiences in Close Relationships Scale (ECRS)



سؤال‌ها در قالب طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت پاسخ دادند. ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه ۰/۹۵ به دست آمد که نشان از پایایی بالای ابزار اندازه‌گیری دارد. برای سنجش ریسک‌پذیری نیز از پرسشنامه تنگنای انتخاب<sup>۱</sup> استفاده شد (Jan Cnradi et al., 2006) که روایی آن در پژوهش‌های متعددی از جمله مطالعات گاندی و همکاران (۱۹۹۷) و لیولی (۱۹۸۳)، به اثبات رسیده است (Gandhi, 1997; Kogan & Wallach, 1983) و ضریب آلفای کرونباخ برای آن ۰/۹۲ محاسبه شد، که نشان از پایایی مناسب این پرسشنامه دارد. این پرسشنامه حاوی ۱۰ گویه است که چهار بُعد ریسک‌پذیری فیزیکی (سلامتی)، اخلاقی، اجتماعی و مالی را می‌سنجد. به سؤال‌های این پرسشنامه نیز بر اساس طیف هفت‌گزینه‌ای لیکرت پاسخ داده شد. نمره بالاتر نمایانگر انتخاب پرمخاطره‌تر و بنابراین ریسک‌پذیری بیشتر پاسخ‌دهنده بود.

**جامعه آماری و روش نمونه‌گیری.** جامعه آماری این پژوهش با توجه به متغیرهای رفتاری و فردی پژوهش، یعنی سبک‌های مختلف دلبستگی، کاوشگری و ریسک‌پذیری، کلیه کارکنان یکی از بیمارستان‌های کودکان شهر تهران بود. بر مبنای فرمول نمونه‌گیری از جامعه محدود و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از میان جامعه‌ای با حدود ۳۶۰ نفر عضو، نمونه‌ای با حجم ۱۸۸ نفر انتخاب شد. در نهایت مجموع تعداد ۱۷۶ پرسشنامه تکمیل و برگشت داده شد که این پرسشنامه‌ها مبنای تحلیل این پژوهش قرار گرفتند.

#### ۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در ادامه فرضیه‌های پژوهش از طریق آزمون همبستگی اسپیرمن و رگرسیون خطی بررسی خواهد شد. برای بررسی رابطه بین دلبستگی و رفتار کاوشگرانه، رابطه بین کاوشگری و ریسک‌پذیری و در نهایت رابطه بین دلبستگی و ریسک‌پذیری از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد که نتیجه این آزمون‌ها به شرح جدول ۲، است.

جدول ۲. آزمون همبستگی میان دلبستگی، رفتار کاوشگرانه و ریسک‌پذیری

همبستگی بین دو متغیر	میزان رابطه	عدد معناداری	نتیجه
دلبستگی و رفتار کاوشگرانه	۰/۶۶۵ <sup>(**)</sup>	۰/۰۰۰	رابطه معناداری وجود دارد
رفتار کاوشگرانه و ریسک‌پذیری	۰/۸۵۳ <sup>(**)</sup>	۰/۰۰۰	رابطه معناداری وجود دارد
دلبستگی و ریسک‌پذیری	۰/۷۰۸ <sup>(**)</sup>	۰/۰۰۰	رابطه معناداری وجود دارد

به‌منظور بررسی رابطه میان دلبستگی و ابعاد کاوشگری، رابطه میان کاوشگری و ابعاد ریسک‌پذیری و نیز رابطه‌ی میان دلبستگی و ابعاد ریسک‌پذیری از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳، ارائه شده است.

جدول ۳. آزمون همبستگی میان دلبستگی و ابعاد کاوشگری و ریسک‌پذیری و ابعاد ریسک‌پذیری

همبستگی بین متغیرها	میزان رابطه	عدد معناداری	نتیجه‌گیری
دلبستگی و کاوشگری اجتماعی	-۰/۶۶۲	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
دلبستگی و کاوشگری محیطی	-۰/۶۱۶	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
دلبستگی و کاوشگری ذهنی	-۰/۶۹۰	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
رفتار کاوشگرانه و ریسک مالی	۰/۷۸۱	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
رفتار کاوشگرانه و ریسک اخلاقی	۰/۷۵۰	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
رفتار کاوشگرانه و ریسک اجتماعی	۰/۷۶۰	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
رفتار کاوشگرانه و ریسک سلامتی	۰/۸۲۵	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
دلبستگی و ریسک مالی	-۰/۶۹۸	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
دلبستگی و ریسک اخلاقی	-۰/۶۳۹	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
دلبستگی و ریسک اجتماعی	-۰/۷۰۷	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.
دلبستگی و ریسک سلامتی	-۰/۶۸۹	۰/۰۰۰	رابطه معنادار است.

در ادامه برای بررسی اثرات متغیرهای پژوهش از رگرسیون خطی ساده استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴، مشاهده می‌شود.

جدول ۴. نتایج آزمون رگرسیون و ضرایب اثر استاندارد متغیرها

اثر	ضریب اثر استاندارد شده ( $\beta$ )	عدد معناداری	نتیجه	دوربین واتسون	معناداری ANOVA
دلبستگی بر کاوشگری	-۰/۶۸۴	۰/۰۰۰	اثر منفی و معنادار	۱/۵۸۰	۰/۰۰۰
کاوشگری بر ریسک‌پذیری	۰/۹۲۰	۰/۰۰۰	اثر مثبت و معنادار	۱/۵۲۵	۰/۰۰۰
دلبستگی بر ریسک‌پذیری	-۰/۷۴۶	۰/۰۰۰	اثر منفی و معنادار	۱/۸۲۶	۰/۰۰۰

برای بررسی رابطه خطی و همچنین بررسی اثرات دلبستگی بر ابعاد رفتار کاوشگرانه، اثرات رفتار کاوشگرانه بر ابعاد ریسک‌پذیری و اثرات دلبستگی بر ابعاد ریسک‌پذیری از رگرسیون خطی ساده استفاده شد که نتایج آن در جدول‌های ۵، ۶ و ۷ قابل مشاهده است.

جدول ۵. نتایج آزمون رگرسیون و ضرایب اثر استاندارد دلبستگی بر ابعاد رفتار کاوشگرانه

متغیر وابسته	ضریب اثر استاندارد شده ( $\beta$ )	عدد معناداری	نتیجه	دوربین واتسون	معناداری ANOVA
کاوشگری اجتماعی	-۰/۶۷۰	۰/۰۰۰	اثر منفی و معنادار	۱/۵۱۰	۰/۰۰۰
کاوشگری محیطی	-۰/۶۱۸	۰/۰۰۰	اثر منفی و معنادار	۱/۸۱۶	۰/۰۰۰
کاوشگری ذهنی	-۰/۶۸۱	۰/۰۰۰	اثر منفی و معنادار	۱/۶۴۸	۰/۰۰۰

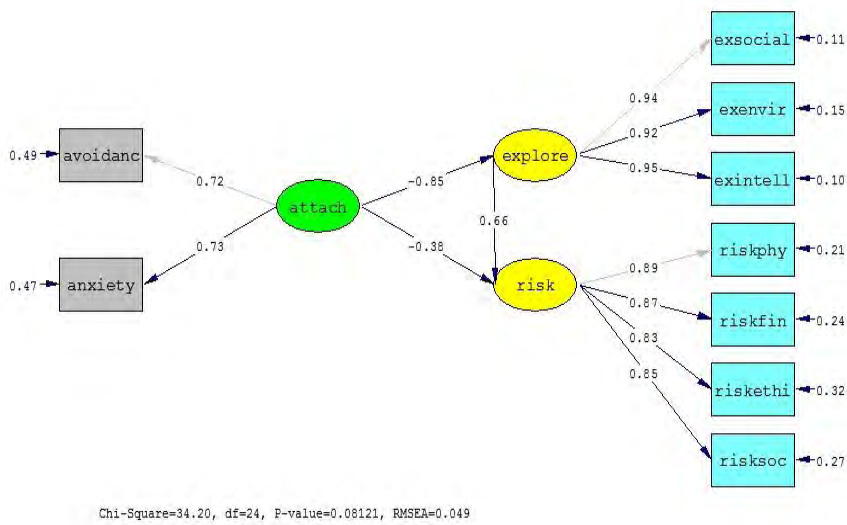
جدول ۶. نتایج آزمون رگرسیون و ضرایب اثر استاندارد رفتار کاوشگرانه بر ابعاد ریسک‌پذیری

متغیر وابسته	ضریب اثر استاندارد شده ( $\beta$ )	عدد معناداری	نتیجه‌گیری	دوربین واتسون	معناداری ANOVA
ریسک مالی	۰/۸۳۹	۰/۰۰۰	اثر مثبت و معنادار	۱/۸۸۸	۰/۰۰۰
ریسک اخلاقی	۰/۷۸۷	۰/۰۰۰	اثر مثبت و معنادار	۱/۵۹۷	۰/۰۰۰
ریسک اجتماعی	۰/۸۱۴	۰/۰۰۰	اثر مثبت و معنادار	۱/۷۸۸	۰/۰۰۰
ریسک سلامتی	۰/۸۶۲	۰/۰۰۰	اثر مثبت و معنادار	۱/۸۹۷	۰/۰۰۰

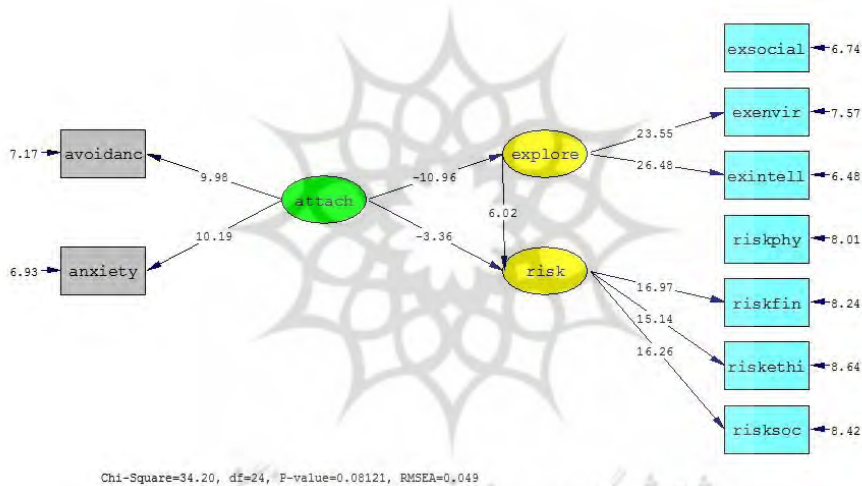
جدول ۷. نتایج آزمون رگرسیون و ضرایب اثر استاندارد دلبستگی بر ابعاد ریسک‌پذیری

متغیر وابسته	ضریب اثر استاندارد شده ( $\beta$ )	عدد معناداری	نتیجه‌گیری	دوربین واتسون	معناداری ANOVA
ریسک مالی	-۰/۶۸۰	۰/۰۰۰	اثر منفی و معنادار	۱/۹۳۱	۰/۰۰۰
ریسک اخلاقی	-۰/۶۲۸	۰/۰۰۰	اثر منفی و معنادار	۲/۰۰۴	۰/۰۰۰
ریسک اجتماعی	-۰/۶۹۹	۰/۰۰۰	اثر منفی و معنادار	۱/۸۴۰	۰/۰۰۰
ریسک سلامتی	-۰/۶۷۱	۰/۰۰۰	اثر منفی و معنادار	۱/۸۳۲	۰/۰۰۰

در ادامه برای آزمون، بررسی و تبیین روابط میان دلبستگی، رفتار کاوشگرانه و ریسک‌پذیری از مدل معادلات ساختاری استفاده شد که نتایج آن در شکل‌های ۲ و ۳، مشاهده می‌شود. یادآوری این نکته لازم است که برای انجام مدل معادلات ساختاری از نرم‌افزار لیزرل ۸،۵۰ استفاده شده است.



شکل ۲. مدل معادلات ساختاری (ضرایب استانداردشده)



شکل ۳. مدل معادلات ساختاری (در حالت معناداری)

نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که دل‌بستگی (در دو بُعد اضطراب و اجتناب) بر رفتار کاوشگرانه رابطه‌ی منفی و معناداری (-/۰۸۵) دارد. کاوشگری بر ریسک‌پذیری تأثیری مثبت و معنادار (۰/۶۶) دارد. دل‌بستگی نیز با ریسک‌پذیری، رابطه‌ای منفی و معنادار (-۰/۳۸) دارد. مدل مربوطه از نظر شاخص‌های تناسب و برازش در وضعیت مناسبی قرار دارد؛ زیرا نسبت  $\frac{\chi^2}{df}$  برابر با

۱/۴۲۵ و کمتر از ۲ است؛ مقدار RMSEA برابر با ۰/۰۴۹ و کمتر از ۰/۰۵، مقدار GFI برابر ۰/۹۶، AGFI برابر ۰/۹۲ و NFI برابر با ۰/۹۸ است که همگی از ۰/۹ بزرگ‌تر هستند و نشان از برازش بسیار خوب مدل دارد.

### ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی رابطه میان دلبستگی، کاوشگری و ریسک‌پذیری است. در این راستا با توجه به آزمون همبستگی، رگرسیون خطی و مدل معادلات ساختاری، مشخص شد که دلبستگی با کاوشگری رابطه‌ی معناداری دارد؛ البته از آنجاکه سازه دلبستگی بر مبنای دو بُعد اضطراب و اجتناب اندازه‌گیری (سنجیده) می‌شود، مطابق انتظار رابطه بین دلبستگی و رفتار کاوشگرانه، منفی است. همان‌طور که در بخش مبانی نظری موضوع نیز عنوان شد، صاحب‌نظران معتقدند که بین این دو سیستم رفتاری انسان ارتباط تنگاتنگی وجود دارد (Endriulaitien & Marti ius, 2010) که نتایج این پژوهش و ضریب همبستگی به‌دست‌آمده (۰/۶۶۵-) نیز این باور را تأیید و تقویت می‌کند.

درخصوص رابطه بین کاوشگری و ریسک‌پذیری نیز نتایج پژوهش حاکی از وجود ارتباط معنادار و مثبت است. آزمون همبستگی (۰/۸۵۳) و مدل معادلات ساختاری (۰/۶۶) بر وجود چنین رابطه‌ای دلالت می‌کنند؛ رابطه‌ای که هم از نظر آماری معنادار است و هم از نظر شدت، رابطه‌ای قوی قلمداد می‌شود. در این مورد نیز مرور مبانی نظری موضوع نشان داد که رفتار کاوشگرانه که خود ریشه در داشتن سبک دلبستگی ایمن و اطمینان خاطر از وجود پایگاه امن دارد، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده ریسک‌پذیری عمومی فرد باشد؛ به‌عبارت‌دیگر تمایل فرد به پذیرش ریسک و ورود به حوزه‌های مخاطره‌آمیز تا حد زیادی با داشتن تصویری از وجود پایگاه ایمن در مدل‌های ذهنی و تمایل به کاوشگری به اتکای این پایگاه ایمن، رابطه دارد.

وجود رابطه منفی و معنادار بین دلبستگی و ریسک‌پذیری (ضریب همبستگی ۰/۷۰۸-) با توجه به مرتبط‌بودن دو سیستم دلبستگی و کاوشگری و تأثیر کاوشگری بر ریسک‌پذیری موجه به نظر می‌رسد؛ زیرا دلبستگی است که با ایجاد یا عدم‌ایجاد ایمنی در فرد، زمینه‌ساز کاوشگری وی و درنهایت پذیرش ریسک از سوی او می‌شود (Feeney and Thrush, 2010).

نتایج تحقیق حاکی از آن است که دلبستگی بر تمام ابعاد کاوشگری اثر منفی و معناداری دارد. شایان‌ذکر است که در این میان دلبستگی بیشترین تأثیر را بر کاوشگری ذهنی (۰/۶۹۰-)، در مرتبه بعد بر کاوشگری اجتماعی (۰/۶۶۲-) و درنهایت بر کاوشگری محیطی (۰/۶۱۶-) دارد؛ البته اختلاف میان ضرایب تأثیر چندان زیاد و حائز اهمیت نیست. کاوشگری نیز بر تمامی ابعاد ریسک‌پذیری تأثیر مثبت و معناداری دارد؛ بیشترین تأثیر کاوشگری بر ریسک فیزیکی [سلامتی]

(۰/۸۲۵)، سپس ریسک مالی (۰/۷۸۱)، در مرتبه‌ی بعد ریسک اجتماعی (۰/۷۶۰) و درنهایت ریسک اخلاقی (۰/۷۵۰) است. شاید قرارگرفتن ریسک اخلاقی در آخرین رتبه حاکی از وجود تأثیراتی اجتماعی، فراتر از ویژگی‌های روان‌شناختی بر پذیرش چنین ریسکی از سوی افراد باشد. دل‌بستگی نیز بر ابعاد ریسک‌پذیری تأثیر معناداری دارد. بیشترین تأثیر آن بر ریسک اجتماعی (۰/۷۰۷-)، سپس بر ریسک مالی (۰/۶۹۸-)، در مرتبه‌ی بعد بر ریسک فیزیکی [سلامتی] (۰/۶۸۹-) و درنهایت بر ریسک اخلاقی (۰/۶۳۹-) است. در اینجا نیز ریسک اخلاقی در پایین‌ترین مرتبه قرار دارد که مجدداً می‌توان دلیل آن را دخالت عواملی غیرروان‌شناختی بر پذیرش این ریسک دانست.

با توجه به هدف این پژوهش، نتایج حاکی از آن است که دل‌بستگی بر کاوشگری و ریسک‌پذیری و همچنین کاوشگری بر ریسک‌پذیری، تأثیر معناداری دارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان پیشنهادها را زیر را مطرح کرد.

نخست اینکه با توجه به تأثیر دل‌بستگی بر کاوشگری، به‌ویژه کاوشگری ذهنی، برای داشتن افرادی در سازمان که از نظر ذهنی توان کنکاش در راه‌حل‌های جدید را داشته و از ایمنی لازم برای کاوش‌های ذهنی برخوردار باشند، می‌توان سبک‌های دل‌بستگی آنان را در هنگام استخدام، موردآزمون قرار داد. برای ارتقا و یا قراردادن افراد در مشاغلی که نیاز به خلاقیت و نوآوری ذهنی دارد، سبک دل‌بستگی عامل تعیین‌کننده‌ای است. نمی‌توان از فردی که سبک دل‌بستگی ناایمن (اضطرابی یا اجتنابی) دارد، انتظار داشت در تصدی چنین شغلی الزامات آن را برآورده سازد؛ البته این موضوع درخصوص سایر کاوشگری‌ها، یعنی کاوشگری اجتماعی و محیطی نیز صادق است. فردی که در شغلش، تعامل با افراد ناشناخته ضرورت دارد و یا مجبور است به محیط‌های ناآشنا ورود کند (مانند بازاریاب، مذاکره‌کننده)، باید از سبک دل‌بستگی ایمن برخوردار باشد. شاید بتوان گفت عکس این مطلب نیز صادق است. برای مشاغلی که ویژگی‌هایی چون جدیدبودن و نوآوری برای آن‌ها ضرورتی محسوب نمی‌شود (مانند حسابداری، مکانیک)، می‌توان افرادی با سبک‌های دل‌بستگی ناایمن را انتخاب کرد؛ البته اینکه هر یک از چهار سبک دل‌بستگی بیشتر مناسب کدام یک از انواع شغلی است می‌تواند دست‌مایه پژوهشی دیگر باشد.

در مورد رابطه بین کاوشگری و ریسک نیز با وجود تبیین‌کنندگی ریسک به‌وسیله کاوشگری، مشخص است تصدی مشاغلی که نیاز به ریسک‌پذیری، به‌ویژه ریسک اجتماعی و ریسک مالی دارند، مستلزم رفتار کاوشگری زیاد است؛ بنابراین برای کارآفرینان، کارگزاران بورس و مشاغلی از این دست، رفتار کاوشگری می‌تواند به‌عنوان عامل پیش‌بین ریسک‌پذیری، یک خصیصه مثبت به‌حساب آید؛ همچنین برای افرادی که رفتار کاوشگری زیادی از خود نشان می‌دهند، احتمال ترک سازمان و انتخاب مخاطره‌آمیز مشاغل دیگری با درآمد بیشتر، بالاتر است؛ بنابراین مدیریت

منابع انسانی سازمان در ارزیابی احتمال ترک سازمان باید به رفتار کاوشگری آنان توجه کند. از سوی دیگر، ریسک اجتماعی نیز می‌تواند در قالب یک عامل انگیزشی با کاوشگری رابطه داشته باشد. در افرادی با رفتارهای کاوشگرانه، احتمال پذیرش طرح‌ها یا پروژه‌های دشواری که موفقیت در آن‌ها حُسن شهرت به همراه داشته باشد، بالا می‌رود؛ بنابراین می‌توان کاوشگری زیاد را به‌عنوان عامل پیش‌بین در پذیرش چنین پروژه‌هایی از سوی افراد نیز تلقی کرد؛ یعنی انگیزش افرادی با کاوشگری بالا از طریق نیاز کسب موفقیت امکان‌پذیر است.

درمجموع تأثیر این متغیرها بر یکدیگر، موضوعی است که پیامدهای مهمی در حوزه جذب، نگهداشت و ترفیع کارکنان و همچنین گماشتن افراد به کار مناسب یا به‌عبارت‌دیگر تناسب شخصیت-شغل دارد؛ البته ارتباط این متغیرها و ابعاد آن‌ها با متغیرهای شغلی دیگری نظیر انگیزش، نوع شغل مناسب، ارتباطات شغلی، تمایل به ترک خدمت، وفاداری به سازمان، جدید و یا تکراری بودن شغل و مواردی از این‌دست می‌تواند موضوع پژوهش‌های دیگری قرار بگیرد و نتایج مهمی برای سازمان‌ها به ارمغان آورد. شایان‌ذکر است هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است و پژوهش حاضر نیز از این امر مستثنی نیست؛ از این‌رو به برخی محدودیت‌های این پژوهش در ادامه اشاره می‌شود.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش، محدودیت‌های روش‌شناختی است. به‌طورکلی پژوهش‌هایی که به روش پیمایش صورت می‌گیرند را می‌توان با سایر روش‌ها (اعم از کمی و کیفی) انجام داد و نتایج آن را با نتایج داده‌های پرسشنامه‌ای مقایسه کرد؛ همچنین می‌توان به‌جای سنجش نگرش‌ها و اظهارات افراد، رفتارهای واقعی آن‌ها را در محیط‌های آزمایشی یا میدانی بررسی کرد و نتایج جدیدی به‌دست آورد. از سویی دیگر، طراحی پژوهشی با ویژگی‌های شبه‌تجربی می‌تواند به تدوین و آزمون فرضیه‌های علی و کشف روابط علت و معلولی میان متغیرها باری رساند. ویژگی‌های جامعه و نمونه و روش نمونه‌گیری نیز از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر است. انجام پژوهش در سازمان‌های دیگر و یا حتی در خارج از محیط‌های سازمانی و در رابطه با افرادی متفاوت می‌تواند به افزایش روایی بیرونی نتایج کمک کند؛ به هر حال با توجه به شرایط پژوهش حاضر، تکرار چنین پژوهشی با روش‌های متفاوت و در نمونه‌های مختلف درمجموع به پالایش و دقیق‌تر شدن نتایج خواهد انجامید.

## منابع

1. Barbosa, S., & Kickul, J. (2007). Differing Pathways to Intentionality: The Role of Cognitive Style and Risk Propensity. *4th AGSE International Entrepreneurship Research Exchange Conference*. Queensland.
2. Blais, A. R., & Weber, E. U. (2006). A Domain-Specific Risk-Taking (DOSPERT) scale for adult populations. *Judgment and Decision Making*, *1(1)*, 33-47.
3. Botella, J., Narváez, M., Martínez-Molina, A., Rubio, V., and Santacreu, J. (2008). A Dilemmas Task for Eliciting Risk Propensity. *The Psychological Record*, *58*, 529-546.
4. Brennan, K. A., Clark, C. L., and Shaver, P. R. (1998). Self-report measurement of adult romantic attachment: An integrative overview. In J. A. Simpson and W. S. Rholes (Eds.), *Attachment theory and close relationships*. 46° 76. New York: Guilford Press.
5. Bretherton, I. (1992). The origins of attachment theory: John Bowlby and Mary Ainsworth. *Developmental Psychology*, *28(5)*, 759.
6. Carnelley, K. B., & Ruscher, J. B. (2000). Adult Attachment and Exploratory Behavior in Leisure. *Journal of Social Behavior and Personality*, *15(2)*, 153-165.
7. Coy, A. E., Green, J. D., & Davis, J. L. (2012). With or without you: The impact of partner presence and attachment on exploration. *Journal of Experimental Social Psychology*, *48(1)*, 411-415.
8. Elliot, A. J., & Reis, H. T. (2003). Attachment and Exploration in Adulthood. *Journal of Personality and Social Psychology*, *85(2)*, 317° 331.
9. Endriulaitien A., and Marti ius, M. (2010). Personal and Situational Factors as the Predictors of Risk-Taking Propensity in the Sample of Lithuanian Students. *International Journal of Psychology: A Biopsychosocial Approach*, *5*, 75-98.
10. Feeney, B. C. (2004). A Secure Base: Responsive Support of Goal Strivings and Exploration in Adult Intimate Relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, *87(5)*, 631-648.
11. Feeney, B. C., & Thrush, R. L. (2010). Relationship Influences on Exploration in Adulthood: The Characteristics and Function of a Secure Base. *Journal of Personalitu and Social Psychology*, *98(1)*, 57-76.
12. Forlani, D., & Mullins, J. H. (2000). Perceived Risks and Choices in Entrepreneur's New Venture Decisions. *Journal of Business Venturing*, *15(4)*, 305-322.
13. Gandhi, Sanjay K., Buford T Lively, Warren Salmon, Walter W. Siganga., & Monica Holiday-Goodman. (1997). Risk-taking propensity and drug product selection behavior of pharmacists. *Journal of Managed Care Pharmacy*, *3(4)*, 439-443.
14. Green, J. D., & Campbell, W. K. (2000). Attachment and Exploration in Adults: Chronic and Contextual Accessibility. *Personality and Social Psychology Bulletin*, *26(4)*, 452-461.
15. Hung, K. T., and Tangpong, C. (2008). Measuring general Risk Propensity in Business Decisions. Proceedings of the 39th Annual Meeting of the Decision Sciences Institute, Baltimore. 1881-1886.
16. Jan Conradi, H., Gerlsma, C., Duijn, M. V., & Jonge, P. D. (2006). Internal and external validity of the experiences in close relationships questionnaire in an



- American and two Dutch samples. *The European journal of psychiatry*, 20(4), 258-269.
17. Jan Conradi, H., Gerlsma, C., Duijn, M. V., & Jonge, P. D. (2006). Internal and external validity of the experiences in close relationships questionnaire in an American and two Dutch samples. *The European journal of psychiatry*, 20(4), 258-269.
18. Kogan, N., & Wallach, M. A. (1983). *Risk Taking: a study in cognition and personality*. New York: Greenwood Press.
19. Lively, Buford T. (1983). Evaluating risk taking propensity as a predictor of the outcome dimensions of medication history taking. *American journal of pharmaceutical education*, 47(2), 129.
20. March, J., & Shapira, Z. (1987). Managerial Perspectives on Risk and Risk Taking. *Management Science*, 33(11), 1404-1418.
21. Picardi, A., Vermigli, P., Toni, A., D Amico, R., Bitetti, D., & Pasquini, P. (2002). Further evidence of the validity of the Italian version of the questionnaire Experiences in Close Relationships (ECR), a self-report instrument to assess adult attachment. *Italian Journal of Psychopathology*, 8(3), 282-294.
22. Ravitz, Paula, et al. (2010). Adult attachment measures: A 25-year review. *Journal of psychosomatic research*, 69(4), 419-432.
23. Richards, D., and Schat, A. (2010). Attachment at (Not to) Work: Applying Attachment Theory to Explain Attachment at (Not to) Work: *Journal of Applied Psychology*.
24. Robbins, S. P., and Judge, T. A. (2009). *Organizational Behavior*. New Delhi: Prentice-Hall of India.
25. Salleh, F., & Ibrahim, M. D. (2011). Demographic Characteristics Differences of Risk Taking Propensity among Micro and Small Business Owners in Malaysia. *International Journal of Business and Social Science*, 2(9), 149-153.
26. Stewart, W. H., & Roth, P. L. (2001). Risk Propensity Differences between Entrepreneurs and Managers: A Meta-analytic Review. *Journal of Applied Psychology*, 86(1), 154-153.
27. Tziner, A., and Tanami, M. (2013). Examining the links between attachment, perfectionism, and job motivation potential with job engagement and workaholism. *Revista de Psicología del Trabajo y de las Organizaciones*, 29(2), 65-74.
28. Vereshchagina, G., and Hopenhayn, H. A. (2009). Risk Taking by Entrepreneurs. *American Economic Review*, Vol. 99. No. 5. pp. 1808° 1830.
29. Vignoli, E., Croity-Belz, S., Chapeland, V., de Fillipis, A., & Garcia, M. (2005). Career exploration in adolescents: The role of anxiety, attachment, and parenting style. *Journal of Vocational Behavior*, 67(2), 153° 168.
30. Wang, X. T., Kruger, D. J., and Wilke, A. (2009). Life history variables and risk-taking propensity. *Evolution and Human Behavior*, 30(2), 77-84.
31. Waters, E., and Cummings, E. M. (2000). A Secure Base From Which To Explore Close Relationships. *Child Development*, 71(1), 164-172.
32. Waters, E., Hamilton, C. E., & Weinfield, N. S. (2000a). The stability of attachment security from infancy to adolescence and early adulthood: General introduction. *Child development*, 71(3), 678-683.

33. Waters, E., Merrick, S., Treboux, D., Crowell, J., & Albersheim, L. (2000b). Attachment security in infancy and early adulthood: a twenty year longitudinal study. *Child development, 71(3)*, 684-689.
34. Waters, E., Weinfield, N. S., & Hamilton, C. E. (2000c). The stability of attachment security from infancy to adolescence and early adulthood: General discussion. *Child development, 71(3)*, 703-706.
35. Yip, J., Ehrhardt, K., Black, H., & Walker, D. O. (2018). Attachment theory at work: A review and directions for future research. *Journal of Organizational Behavior, 39(2)*, 185-198.
36. Ronen, S., & Zuroff, D. C. (2017). How does secure attachment affect job performance and job promotion? The role of social-rank behaviors. *Journal of Vocational Behavior, 100*, 137-148.
37. Dai, L., Maksimov, V., Gilbert, B. A., & Fernhaber, S. A. (2014). Entrepreneurial orientation and international scope: The differential roles of innovativeness, proactiveness, and risk-taking. *Journal of Business Venturing, 29(4)*, 511-524.
38. Koudstaal, M., Sloof, R., & Van Praag, M. (2015). Risk, uncertainty, and entrepreneurship: Evidence from a lab-in-the-field experiment. *Management Science, 62(10)*, 2897-2915.
39. Leiter, M. P., Day, A., & Price, L. (2015). Attachment styles at work: Measurement, collegial relationships, and burnout. *Burnout Research, 2(1)*, 25-35.
40. Macko, A., & Tyszka, T. (2009). Entrepreneurship and risk taking. *Applied psychology, 58(3)*, 469-487.
41. Nicholson, N., Soane, E., Fenton-O'Creevy, M., & Willman, P. (2005). Personality and domain-specific risk taking. *Journal of Risk Research, 8(2)*, 157-176.
42. Scrima, F., Di Stefano, G., Guarnaccia, C., & Lorito, L. (2015). The impact of adult attachment style on organizational commitment and adult attachment in the workplace. *Personality and Individual Differences, 86*, 432-437.
43. Weller, J. A., & Tikir, A. (2011). Predicting domain-specific risk taking with the HEXACO personality structure. *Journal of Behavioral Decision Making, 24(2)*, 180-201.